

# کاهش تدریجی ضریب پشتیبانی در تأمین اجتماعی

به گفته مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، کاهش نسبت بیمه‌پردازان به بازنشستگان، توان پرداخت مستمری و خدمات درمانی را به چالش کشیده و به یک بحران اجتماعی تبدیل شده است

ضریب پشتیبانی به معنای نسبت تعداد بیمه‌پردازان به مستمری‌بگیران است؛ یکی از کلیدی‌ترین شاخص‌های سلامت مالی سازمان تأمین اجتماعی. عددی که هرچه بالاتر باشد، پایداری صندوق بیمه‌ای بهتر تضمین می‌شود. اما این نسبت در سال‌های اخیر به شکل نگران‌کننده‌ای کاهش یافته است: از نسبت ۴۰۴ در سال ۱۳۹۹ به عدد ۳۰۸ در خرداد ۱۴۰۴. مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید: «افزایش ضریب پشتیبانی به ۴ هدف ماست، اما رسیدن به آن به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری و اقتصادی، بسیار دشوار است.» این روند نزولی، هشدار واضحی است برای آینده تأمین اجتماعی و بیش از ۵۰ میلیون ایرانی که به آن وابسته‌اند. در این گزارش، به ریشه‌های این چالش، پیامدهای آن و راهکارهای پیشنهادی می‌پردازیم.

#### نبض سلامت صندوق‌های بیمه‌ای

در اوایل خرداد ۱۴۰۴، مصطفی سالاری، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، در نشستی با اعضای اتاق تعاون ایران اعلام کرد که ضریب پشتیبانی این سازمان با ۳۰۸ رسیده است. او هدف‌گذاری کرد که این عدد به ۴ افزایش یابد، اما اذعان داشت این کار به‌دلیل پیچیدگی‌های موجود، بسیار دشوار است. برای درک عمق این مشکل، کافی است نگاهی به گذشته بیندازیم. در سال ۱۳۹۹، این نسبت ۴۰۴ بود، اما تا سال ۱۴۰۳ به ۳۰۸ سقوط کرد. گزارش مرکز آمار ایران نیز این روند نزولی را تأیید می‌کند: ضریب پشتیبانی از ۵۰۵ در سال ۱۳۹۶ به ۳۰۹ در سال ۱۴۰۲ کاهش یافته است. در مقایسه، در سال ۱۳۵۴، زمانی که قانون تأمین اجتماعی تصویب شد، این نسبت یک به ۱۲ بود؛ یعنی ۱۲ نفر برای هر بازنشسته حق بیمه می‌پرداختند.

این سقوط آزاد، هشداری است برای آینده‌ای که می‌تواند برای میلیون‌ها نفر ناامن باشد. سازمان تأمین اجتماعی، که بیش از ۸۰ درصد واجدان شرایط را تحت پوشش دارد، ستون اصلی نظام رفاهی ایران است. کاهش ضریب پشتیبانی نه‌تنها پایداری مالی این سازمان را تهدید می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به سیستمی را که قرار است آینده کارگران و بازنشستگان را تضمین کند، متزلزل می‌سازد.

#### ریشه‌های یک بحران ملی

دلایل کاهش ضریب پشتیبانی متعدد و پیچیده‌اند، اما می‌توان آن‌ها را در چند دسته اصلی خلاصه کرد:

##### ۱. بازنشستگی زودهنگام و شکاف سنی

یکی از بزرگ‌ترین عوامل، شکاف عمیق بین سن بازنشستگی و امید به زندگی است. در ایران، میانگین سن بازنشستگی حدود ۵۱ سال است، در حالی که امید به زندگی به ۷۶ سال می‌رسد. این شکاف ۲۵ ساله به این معناست که صندوق‌های بیمه‌ای، به‌ویژه تأمین اجتماعی، باید برای مدت طولانی‌تری مستمری بپردازند، در حالی که تعداد بیمه‌پردازان به دلیل بازنشستگی‌های زودهنگام کاهش می‌یابد. بیش از ۵۰ درصد بازنشستگان تأمین اجتماعی از دسته بازنشستگی‌های پیش از موعد، به‌ویژه در مشاغل سخت و زیان‌آور، هستند. این افراد که اغلب ۱۰ سال زودتر از چرخه بیمه‌پردازی خارج می‌شوند، نه‌تنها ورودی‌های صندوق را کم می‌کنند، بلکه با افزایش تعداد مستمری‌بگیران، بار مالی سنگینی

به آن تحمیل می‌کنند.

غلامحسین عابدی‌روش، کارشناس بیمه‌های اجتماعی، در گفت‌وگو با آتیه‌نو توضیح می‌دهد: «بازنشستگی‌های پیش از موعد، به‌ویژه در مشاغل سخت و زیان‌آور، با کاهش تعداد بیمه‌پردازان و افزایش تعهدات بلندمدت، ضریب پشتیبانی را به‌شدت تحت فشار قرار داده است.»

##### ۲. معضل فرار بیمه‌ای

فرار بیمه‌ای پدیده‌ای که در آن کارفرمایان یا کارگران از پرداخت کامل حق بیمه خودداری می‌کنند، یکی دیگر از عوامل کلیدی است. این مشکل، به‌ویژه در بخش خدمات، شایع است. بسیاری از کارفرمایان به دلیل فشارهای اقتصادی یا برای کاهش هزینه‌ها، حق بیمه را بر اساس دستمزدهای غیرواقعی پرداخت می‌کنند. عابدی‌روش در این مورد تأکید می‌کند: «وضعیت اقتصادی نامناسب و ناتوانی برخی شاغلان در پرداخت حق بیمه، فرار بیمه‌ای را تشدید کرده و از منابع صندوق کاسته است.»

علاوه بر این، بدهی‌های انباشته دولت به تأمین اجتماعی که ناشی از عدم پرداخت به‌موقع سهم دولت در حق بیمه‌است، این مشکل را دوچندان کرده است. این بدهی‌ها مانند سوراخی در بدنه کشتی تأمین اجتماعی، منابع مالی آن را به‌تدریج خالی می‌کنند.

##### ۳. مشکلات اقتصادی و کمبود اشتغال

رونق اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی، موتور محرک افزایش تعداد بیمه‌پردازان است. اما در دهه‌های اخیر، رشد اقتصادی ایران کند بوده و نرخ بیکاری بالا، ورودی‌های جدید به سیستم بیمه‌ای را محدود کرده است.

عابدی‌روش تأکید می‌کند: «وقتی اقتصاد رشد نمی‌کند و شغل‌های پایدار ایجاد نمی‌شود، تعداد بیمه‌پردازان کاهش می‌یابد و تعادل ورودی و خروجی صندوق به هم می‌ریزد.»

این وضعیت، مانند کم‌آبی در ریشه‌های یک درخت، تأمین اجتماعی را از منابع حیاتی‌اش محروم کرده است.

##### ۴. قوانین کهنه و ناکارآمد

قوانین کنونی تأمین اجتماعی، از جمله سن بازنشستگی و نحوه محاسبه حق بیمه، برای چالش‌های امروز طراحی



نشده‌اند. در کشورهای توسعه‌یافته، سن بازنشستگی معمولاً ۶۷ تا ۶۷ سال است، اما در ایران، این عدد به‌طور میانگین ۵۱ سال است. این اختلاف، فشار مالی سنگینی بر صندوق‌ها وارد می‌کند. علاوه بر این، قوانین مربوط به بازنشستگی‌های پیش از موعد و مشاغل سخت و زیان‌آور، بدون بازنگری مناسب، به تشدید ناترازی منجر شده‌اند.

#### خطرات کاهش پشتیبانی

سازمان تأمین اجتماعی بیش از ۸۰ درصد از واجدان شرایط را تحت پوشش دارد و زندگی بیش از ۵۰ میلیون نفر -تقریباً نیمی از جمعیت ایران- به خدمات آن وابسته است. کاهش ضریب پشتیبانی، توانایی این سازمان برای پرداخت مستمری، ارائه خدمات درمانی و حمایت از بیمه‌شدگان را به خطر می‌اندازد. این فقط یک مشکل مالی نیست بلکه یک بحران اجتماعی است که می‌تواند اعتماد عمومی به نظام رفاهی را از بین ببرد.

اگر این روند ادامه یابد، تأمین اجتماعی ممکن است نتواند تعهدات خود را به بازنشستگان ایفا کند، خدماتی مانند مراقبت‌های بهداشتی کاهش یابد و کارگرانی که سال‌ها حق بیمه پرداخته‌اند، با آینده‌ای نامطمئن روبه‌رو شوند. این ناترازی همچنین بر تصمیم‌گیری‌های کلان، از جمله تخصیص بودجه و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، اثر می‌گذارد و می‌تواند تبعات گسترده‌ای برای اقتصاد و جامعه داشته باشد.

#### اصلاحات فوری و بلندمدت

برای مهار این بحران، ترکیبی از اصلاحات فوری و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت ضروری است. در ادامه، به مهم‌ترین اقدامات پیشنهادی می‌پردازیم:

##### ۱. افزایش سن بازنشستگی

قانون برنامه هفتم توسعه، افزایش تدریجی سن بازنشستگی تا سقف هشت سال را تصویب کرده است. این افزایش به‌صورت پلکانی اعمال می‌شود و برای کسانی که تا ۱۰ سال سابقه بیمه‌ای دارند، هر سال پنج ماه به سنوات کاری اضافه می‌کند. با این تغییر، حداکثر سن بازنشستگی برای مردان به ۶۲ سال و برای

زنان به ۵۵ سال می‌رسد. این گام، اگرچه جنجال‌برانگیز است، اما با توجه به استانداردهای جهانی—که سن بازنشستگی در آن‌ها اغلب ۶۵ تا ۶۷ سال است—ضروری به نظر می‌رسد.

##### ۲. مهار بازنشستگی‌های زودهنگام

بازنشستگی‌های پیش از موعد، به‌ویژه در مشاغل سخت و زیان‌آور، باید تحت کنترل دقیق‌تری قرار گیرند. این نوع بازنشستگی‌ها که بیش از نیمی از بازنشستگان تأمین اجتماعی را تشکیل می‌دهند، منابع صندوق را به‌سرعت تحلیل می‌برند. اصلاح قوانین مربوط به این نوع بازنشستگی‌ها و ایجاد معیارهای سخت‌گیرانه‌تر برای شناسایی مشاغل سخت و زیان‌آور، می‌تواند به کاهش فشار بر صندوق کمک کند.

##### ۳. مقابله با هرنوع فرار بیمه‌ای

پیشگیری از فرار بیمه‌ای و الزام به پرداخت حق بیمه بر اساس دستمزدهای واقعی می‌تواند منابع مالی تأمین اجتماعی را تقویت کند. این کار نیازمند نظارت دقیق‌تر بر کارفرمایان، به‌ویژه در بخش خدمات و ایجاد مشوق‌هایی برای پرداخت به‌موقع حق بیمه است. همچنین تسویه بدهی‌های دولت به تأمین اجتماعی باید در اولویت قرار گیرد تا فشار مالی از دوش این سازمان برداشته شود.

##### ۴. تقویت اقتصاد و اشتغال

رونق اقتصادی و ایجاد شغل‌های پایدار، کلیدی‌ترین راهکار برای افزایش تعداد بیمه‌پردازان است. عابدی‌روش در این باره می‌گوید: «رشد اقتصادی و خلق فرصت‌های شغلی، مانند خونی تازه در رگ‌های تأمین اجتماعی عمل می‌کند.»

سیاست‌های کلان اقتصادی، از جمله حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و تشویق سرمایه‌گذاری، می‌توانند به افزایش ورودی‌های صندوق کمک کنند.

##### ۵. اصلاحات پارامتریک

کارشناسان بر لزوم اصلاحات پارامتریک، مانند بازنگری قوانین بیمه‌ای و محاسبات حق بیمه، تأکید دارند. این اصلاحات باید با شیب ملایم انجام شوند تا فشار اجتماعی کمتری ایجاد کنند. برای مثال، بازنگری در نحوه محاسبه مستمری‌ها و ایجاد تعادل بین ورودی و خروجی صندوق، می‌تواند به پایداری بلندمدت کمک کند.

#### تأمین اجتماعی در دوراهی سرنوشت

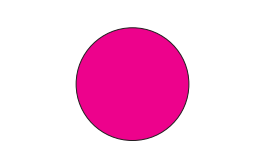
تأمین اجتماعی اکنون در نقطه عطفی تاریخی قرار دارد. ضریب پشتیبانی که روزگاری نماد قدرت این سازمان بود، حالا به پاشنه آشیل آن تبدیل شده است. بازنشستگی‌های زودهنگام، فرار بیمه‌ای، اقتصاد ضعیف و قوانین کهنه، مانند توفانی چندجانبه، این نهاد را تهدید می‌کنند، اما هنوز فرصت برای تغییر وجود دارد.

اصلاحات جسورانه؛ از افزایش سن بازنشستگی تا مهار فرار بیمه‌ای و تقویت اقتصاد می‌تواند آینده‌ای امن برای میلیون‌ها ایرانی رقم زند. تأمین اجتماعی فقط یک سازمان نیست؛ قلب تپنده رفاه اجتماعی ایران است. اگر امروز اقدام نکنیم، فردا ممکن است با صندوق‌هایی خالی و نسلی ناامید روبه‌رو شویم. اما با تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه و شجاعانه می‌توانیم این کشتی را به ساحل امن برسانیم و آینده‌ای پایدار برای کارگران، بازنشستگان و نسل‌های بعدی تضمین کنیم.

## تأمین

A T I V E N O

یادداشت



علیرضا حیدری

کارشناس بیمه‌های اجتماعی

### افزایش پوشش بیمه و پایداری صندوق‌ها

توسعه بیمه‌های اجتماعی در کشور نیازمند بهره‌گیری کامل از ظرفیت تمام صندوق‌های بیمه‌گر؛ به‌ویژه سازمان تأمین اجتماعی است. در شرایطی که شمار قابل‌توجهی از شاغلان کشور هنوز زیر چتر هیچ صندوق بیمه‌ای قرار ندارند، فراگیری بیمه اجتماعی از مسیر گسترش خدمات بیمه‌ای می‌گذرد؛ به‌ویژه برای آن دسته از گروه‌های شغلی که به‌طور سنتی خارج از پوشش نهادهای رسمی قرار داشته‌اند. ایجاد انگیزه برای ورود این گروه‌ها به نظام بیمه‌ای، مستلزم بهبود شرایط اقتصادی، رشد اشتغال و کاهش بیکاری است؛ شاخص‌هایی که هر کدام به سهم خود بر گستره پوشش بیمه‌ای و در نهایت بر پایداری منابع صندوق‌ها تأثیر می‌گذارند.

سازمان تأمین اجتماعی با دارا بودن گسترده‌ترین دامنه پوشش بیمه‌ای در کشور، مسئولیت اصلی تحقق اصول عدالت اجتماعی در زمینه بیمه را بر دوش دارد. این سازمان نه‌تنها بیمه‌شدگان اجباری را تحت پوشش دارد، بلکه طرح‌های بیمه اختیاری و پوشش صاحبان مشاغل آزاد را نیز گسترش داده است. در بخش بیمه‌های اجباری، عمده شاغلان رسمی در کارگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ تحت پوشش قرار گرفته‌اند؛ به‌ویژه طی سال‌های اخیر که به‌واسطه پیگیری‌های حقوقی و اصلاحات در حوزه کارفرمایی، ضریب شمول بیمه افزایش یافته است. در حوزه بیمه‌های اختیاری، مشوق‌هایی برای مشارکت داوطلبانه شهروندان پیش‌بینی شده و دولت با برعهده گرفتن بخشی از سهم حق بیمه، زمینه را برای گسترش این نوع پوشش هموار کرده است. از دیگر مسیرهای توسعه بیمه اجتماعی، جذب گروه‌های فاقد بیمه در قالب قراردادهای توافقی با نهادهای واسط است؛ مسیری که طی سال‌های اخیر در قبال گروه‌هایی همچون هنرمندان، ورزشکاران و فعالان صنفی دنبال شده است. در این چارچوب، سازمان تأمین اجتماعی با ایجاد بسته‌های حقوقی و اجرایی، امکان بهره‌مندی طیف وسیع‌تری از افراد جامعه را از مزایای بیمه فراهم کرده است. هرچند این اقدامات مؤثر بوده‌اند، اما موفقیت پایدار در این حوزه نیازمند تمرکز جدی بر شاغلان اقتصاد غیررسمی است؛ جمعیتی که در صورت ورود سازمان‌یافته به نظام بیمه‌ای، نه‌تنها پایداری مالی صندوق‌ها را تضمین می‌کند، بلکه سهم اقتصاد رسمی از اشتغال را نیز به‌طور معناداری افزایش می‌دهد. این جهت‌گیری در سال‌های اخیر در دستور کار مدیران تأمین اجتماعی قرار گرفته و به‌عنوان راهبردی کلیدی برای رفع ناترازی منابع و مصارف تلقی می‌شود. بر پایه برآوردهای رسمی، ضریب نفوذ بیمه‌های اجتماعی در کشور اکنون به ۷۳ درصد رسیده که بیش از ۵۳ درصد آن مربوط به پوشش تأمین اجتماعی است. این آمار اگرچه بیانگر عملکرد نسبتاً موفق نهادهای بیمه‌گر است، اما همچنان حدود یک‌چهارم از جمعیت کشور را بیرون از چتر حمایت بیمه‌ای باقی گذاشته است.

ورود جامعه آماری ۵ تا ۱۰ میلیون نفری از شاغلان غیررسمی به جمع بیمه‌شدگان می‌تواند منابع ورودی صندوق‌ها را چندین هزار میلیارد تومان افزایش دهد و نسبت پشتیبانی بیمه‌ای را بهبود بخشد؛ تحولی که هم به افزایش کیفیت خدمات سازمان تأمین اجتماعی می‌انجامد و هم به تعدیل شکاف پوششی میان گروه‌های مختلف اجتماعی کمک می‌کند.